

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در گفت‌وگو با قدس تشریح کرد

فعالیت‌های علمی و فرهنگی امام باقر (علیه‌السلام) در عرصه جهاد تبیین



۲



ویژه‌فرهنگ و معارف رضوی

| سال دوم | ویژه‌نامه ۳۷۸ |

تفسیر / آیت‌الله علم‌الهدی

بشارت‌های قرآن
به وجود اقدس
امام زمان (عج)

۲

از تأثیر شیر مادر تا الگوپذیری کودکان از رفتار والدین

عناصر مهم تربیت کودک در
دیدگاه امام باقر (علیه‌السلام)

۲

سپهر خلجی مطرح کرد

جشنواره‌ای برای تقویت
گفتمان رسانه‌ای فرهنگ رضوی

۴

کتاب‌جدید پژوهشکده اسلام‌تمدنی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

پژوهشی در هنجارپذیری
حجاب دختران

۲

عزا

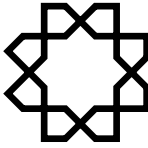
ویژه‌برنامه‌های شهادت
امام محمدباقر (علیه‌السلام)
در حرم مطهر رضوی



به مناسبت هفتم ذی‌الحجه، سالروز شهادت امام محمدباقر(ع) برگزاری برنامه‌های فرهنگی، مذهبی و عزاداری متعددی ویژه زائران و مجاوران در حرم مطهر رضوی آغاز شد.
حجت‌الاسلام شریعتی‌نژاد: معاون تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی گفت: برنامه محوری شب شهادت آن حضرت، روز گذشته پس از نماز مغرب و عشا در صحن پیامبر اعظم(ص) برگزار شد و حجج اسلام والمسلمین محمدباقر حیدری کاشانی، عبدالحمید واعظ شهیدی و مهدی شریعتی‌تبار به ایراد سخنرانی و مداحان اهل‌بیت(ع) به مرثیه‌سرایی پرداختند.
وی با بیان اینکه در ایام شهادت امام باقر(ع) نماز جماعت مغرب و عشا در صحن پیامبر اعظم(ص) به امامت آیت‌الله امامی کاشانی اقامه می‌شود، گفت: ویژه‌برنامه روز شهادت امام باقر(ع) از ساعت ۱۱:۱۵ صبح پنجشنبه در رواق امام خمینی(ره) آغاز می‌شود که در این مراسم آیت‌الله سیداحمد علم‌الهدی، نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی و امام جمعه مشهد سخنرانی می‌کند.
معاون تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی با اشاره به اینکه مراسم عزاداری ویژه‌زائران عرب‌زبان در صحن‌غديربرگزار می‌شود، تصریح کرد: همچنین در طول روز کارشناسان پاسخگویی به سؤالات اعتقادی در صحن‌ها حضور دارند تا به سؤالات زائران عزیز در مورد زندگانی این امام عظیم‌الشأن پاسخ دهند.

فیلم‌کوت زندگي

چند خیابان
دور تر



محمدحسین نیکبخت |

حاج محمدعلی فاضل خراسانی مشهور به «حاجی فاضل»، از آن آدم‌های خاص تاریخ معاصر مشهد است؛ حکیم و فیلسوفی که البته تا حدودی سیاستمدار هم بود و هرگز خود را از صحنه اجتماع و رویدادهای آن کنار نمی‌کشید. حاج‌فاضل از شاگردان برجسته میرزای بزرگ شیرازی، صادرکننده فتاوی تنباکو بود و شاید بخشی از شجاعت و صراحت کلام وی، در مجلس درس آن مجتهد بزرگ شکل گرفت. او هیچ حرفی را بدون سند و مدرک قبول نمی‌کرد، اسیر هیجانات و احساسات نمی‌شد و در راه عقیده‌اش، جان می‌داد. در دوره مشروطه‌خواهی و در بلبشوی فعالیت‌های سیاسی و انتشار اصطلاحاتی که کمتر کسی معنی آن را می‌فهمید، نشست و مثل یک دانشمند خبره و آگاه درباره مشروطه تحقیق کرد و خوبی و بدی‌اش را شناخت و بدون کوچک‌ترین رودربایستی، همه را به مردم گفت؛ هر چند که برخی از این اقدام او خوششان نیامد. حاج‌فاضل تا پایان عمر در حوزه علمیه مشهد تدریس می‌کرد و شاگردان بزرگی هم پرورش داد؛ افرادی مانند حاج ملاهاشم خراسانی و غلامحسین حکیم زرگر. او در سال ۱۳۰۲ دار فانی را وداع گفت و پیکرش پس از تشییعی باشکوه، در رواق دارالسیاده حرم رضوی به خاک سپرده شد.

■ در حلقه درس بزرگان زمانه

در مشهد به دنیا آمد؛ سال تولد او دقیقاً معلوم نیست، اما با توجه به شواهد و قرائن، می‌توانیم وی را متولد سال ۱۲۲۰ خورشیدی بدانیم. او فراگیری علوم حوزوی را در حوزه علمیه مشهد آغاز کرد؛ فلسفه، حکمت و ریاضیات را از غلامحسین شیخ‌الاسلام و میرزامحمد سروقدی که هر دو از شاگردان حاج معتقدند حاجی فاضل، از خود ملاحادی سبزواری هم حکمت و فلسفه آموخته است. فقه و اصول را هم نزد شیخ حسنعلی تهرانی و آخوند ملاعبدالله کاشی فرا گرفت و بعد راهی عتبات شد و به درس میرزا حبیب‌الله رشتی رفت. سال ۱۲۶۰ خورشیدی هم سرانجام توانست به سامرا برود و وارد حلقه درس میرزای بزرگ شیرازی شود و یکی از شاگردان مورد علاقه وی باشد. در سال ۱۲۶۵ به مشهد

بازگشت و کار تدریس در حوزه علمیه این شهر مقدس را آغاز کرد.

■ ماندن در کنار ستمدیده

حاجی‌فاضل هیچ وقت سمت ظالم نمی‌ایستاد. این را همه دوستان و دشمنانش می‌دانستند. وقتی در دوران حکومت آصف‌الدوله شاهسون، در عهد مظفرالدین‌شاه قاجار، ماجرای فروش دختران قوچانی به ترکمن‌ها به عوض مالیات پیش آمد و در پی آن اعتراض مردم مشهد توسط مأموران حکومتی به خاک و خون کشیده شد، حاجی فاضل نخستین عالمی بود که در برابر ستمگران سینه سپر کرد و بدون واهمه از توهین و مرگ، فریاد دفاع از مظلوم سر داد. این اقدام، آن قدر برای آصف‌الدوله گران تمام شد که حاجی را به کلات و درگز تبعید کرد. حاجی فاضل پس از بازگشت به مشهد نیز دوباره همان شیوه



محلۀ سرشور، مکانی که حاج فاضل در آن تدریس کرد

وقتی در دوران حکومت آصف‌الدوله شاهسون، ماجرای فروش دختران قوچانی به ترکمن‌ها به عوض مالیات پیش آمد، حاجی فاضل نخستین عالمی بود که در برابر ستمگران سینه سپر کرد و بدون واهمه از توهین و مرگ، فریاد دفاع از مظلوم سر داد.

همیشگی را پیش گرفت. خانه‌اش مأمن مظلومان بود و زبانش بیانگر خواسته‌های مستضعفان.

■ مشروطیت به شرط مشروعیّت

با آغاز انقلاب مشروطه و شروع مبارزات مردمی با استبداد، حاجی فاضل در ردیف طرفداران ساقط کردن استبداد قرار گرفت، اما معتقد بود آنچه به عنوان مشروطه به مردم عرضه می‌شود به ویژه در حوزه قانون‌گذاری، بیشتر تقلیدی از کشورهای اروپایی است و با اساس دینات اسلام همخوانی

بی‌مقدمه اسمش را می‌پرسم. می‌گویید «قمر» و باز شروع می‌کند به حرف. از پارک و چمن ... می‌گویید. بعد از حالم می‌پرسد که چرا این اندازه دارو می‌خورم و تجویز می‌کند که دمیجات را امتحان کنم. گیاه بخورم. بروم عطاری. دلم بسوزد برای جوانی‌ام. می‌گویید ایران را چقدر عاشق است. از پدر و مادرش و اینکه دو وطن دارد، از اولاد خردش، از هنر دوخت و دوزش، از صاحبخانه زلالش که خواهرانه علاقه‌اش دارد و از زادگاه مادری‌اش کابل.

سپرک تاب‌سوار که مادرش را صدا می‌کند،

قمر افغانستانی پلاستیک دارو را پس‌ام می‌دهد و مهربان می‌گوید: «عبدالله»، مَرَدَم، عطار است... به ما سر بزَن ... دست خالی برنمی‌گرددی جانکم. قمر خانم که رفت و این جمله هی توی سرم ماند: مهربان باشید... مهربان مثل آب‌های روان دره‌های پامیر و پنجشیر... مثل شیرینی لهجه هرات.

سَنَجا ق

پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: دوستی و مهرورزی نیمی از دین است.

منبرمجازی

جاذبه امام باقر (علیه‌السلام)



حجت‌الاسلام حسینی قمی |

نخستین ویژگی امام باقر(ع)، جاذبه ایشان بود. امروزه برخی از ما آن قدر دایره روابطمان را تنگ کرده‌ایم که همه را طرد می‌کنیم. زندگی ائمه(ع) برای ما میزان است و باید خودمان را با آن بسنجیم.
شیخ طوسی در کتاب امالی نقل کرده شخصی اهل شام آمده بود مدتی در مدینه زندگی کند. شام در دوره بنی‌امیه مرکز تبلیغات علیه امیرالمؤمنین(ع) و ائمه(ع) بود. اصولاً مردم شام نگاه خوبی به اهل بیت(ع) نداشتند. این فرد فقط در جلسات درس و بحث حضرت شرکت می‌کرد. به امام هم می‌گفت من بیشتر از همه با شما فاصله فکری و اعتقادی دارم... ولی دو ویژگی در جلسات شما وجود دارد ... یکی بحث‌های خوب علمی است و دیگری اینکه اخلاق خوب شما مرا جذب کرده است. حضرت به او فرمود: «لَنْ تَخْفَى عَلَيَّ اللَّهُ خَافِيَةً... چیزی بر خدا مخفی نیست... این فرد بیمار شد... روزی امام در مسجد نماز می‌خواندند که خبر فوت این مرد را آوردند و گفتند وصیت کرده شما برای او نماز بخوانید... امام گفتند او نمرده است؛ شتاب نکنید تا من بپایم... به خانه برگشتند و دوباره وضو گرفتند... رفتند مسجد... دو رکعت نماز و مدت طولانی دعا ... بعد به منزل فوت شده رفتند. بدن پیچیده شده آماده نماز بود. امام باقر(ع) او را صدا زدند، زنده شد و نشست... امام فرمودند برایش غذایی بیاورید... چند روز بعد این فرد خوب شد، به خانه امام رفت و گفت: شهادت می‌دهم که شما ولی و حجت خدا هستید... وقتی جان از بدن من بیرون آمد، شنیدم که منادی ندا داد که روح را به بدنش برگردانید، این را باقر(ع) از ما خواسته است... این فرد تبدیل به یکی از اصحاب امام شد. در این داستان دو نکته وجود دارد. در پایان این داستان حدیثی از امام باقر(ع) دارد که شبیه آن در خطبه ۱۵۴ نهج‌البلاغه و در کلمات پیامبر(ص) هم وجود دارد. امام فرمود: مگر نمی‌دانی خدا بندگانش را دوست دارد و اگر کار بدی می‌کنند، خدا با آن کار مخالف است نه با خود بنده. یعنی ما دشمن شما نیستیم. خدا با کسی دشمنی ندارد. من می‌خواستم دست شما را بگیرم و برگردانم. این داستان باید نگاه دینی ما را عوض کند. ما باید جاذبه امام را در زندگیمان پیاده کنیم.
امیرالمؤمنین(ع) در نهج‌البلاغه دارد: شما که خودتان را خوب می‌دانید، وظیفه شما این است که به گناهکاران با محبت نگاه کنید و دست آن‌ها را بگیرید. کسی که کار بدی کرده است باید روزی برگردد.